

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و خير الصلاه و السلام على خير خلقه و اشرف بريته حبيبتا و حببتا اله العالم الذي سمى في السماء باحمد و في الارض بابالقاسم المصطفى محمد صل الله عليه و آله الطيبين الطاهرين و اللعنه على اعدائهم اجمعين

جلسه اول:

سوال: مشکلات کی حل میشه؟ مسیر انقلاب کی به نتیجه می‌رسد؟

جواب: هیچ وقت

حل مشکلات یک الگوریتم و معادله سه مجهولی دارد که هر سه مجهول باید با هم معلوم شود و این حرف من نیست بلکه حرف قرآن است قرآن در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید:
لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ - مجهول اول برای حل مشکلات «رهبر قوی و الهی»
وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ - مجهول دوم برا حل معادل سه مجهولی «برنامه درست و دقیق»
لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ - و اما سومین مجهول «حضور مردم»

اول بریم سراغ رهبری که آیه بیان کرده است. اگر می‌خواهیم رهبری در آیه را درک کنیم، یکی از بهترین راه‌های پاسخ این است که برخی از ویژگی‌ها و معیارهای عقلایی یک رهبر و مدیر را بررسی کنیم تا ببینیم رهبری که قرآن بیان می‌کند باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و رهبران انقلاب را با قبش مقایسه کنیم.

معیارها:

(معیارها به دو دسته "معیارهای عمومی رهبر" و "معیارهای رهبر اسلامی" تقسیم شده است که به اقتضاء جلسه می‌توانید از هر کدام چند خاطره را بیان نمایید)

اجازه بدید معیارهای موفق مدیران را، همراه با چند داستان از کتاب سایه روشن بهتر بشناسیم. کتابی که این معیارها را بین شاهان پهلوی و امامین انقلاب براساس منابع معتبر مقایسه کرده است. ابتدا برویم به سراغ معیارهای عمومی یک مدیر که همه عقلای عالم این معیارها را قبول دارند.

۱. شجاعت / ترس: طبق نظر همه عقلای عالم یک رهبر و مدیر، باید شجاع باشد و نترسد. اگر ترسو باشد

نمی‌تواند از منافع کشور و مردمش دفاع کند.



محمد رضا پهلوی

ثریا اسفندیاری (همسر شاه) در کتاب کاخ تنهایی نقل می‌کند: ساعت چهار صبح، زنش را بیدار کرد. شانه‌هایش را تکان داد و گفت: «ثریا! باید هر چه زودتر از این جا فرار کنیم! هر لحظه ممکن است دشمنان این جا بریزند و ما را بکشند. باید بدون معطلی حرکت کنیم!»

ثریا دست‌پاچه شد: «کجا برویم؟!»

- خودمان را به رامسر می‌رسانیم و از آن جا با هواپیما به عراق پناهنده می‌شویم. یک ثانیه را هم نباید از دست بدهیم!^۱

عصر دیروز (یعنی بیست و چهار مرداد ۱۳۳۲)، کودتای اول آمریکایی‌ها علیه دکتر مصدق شکست خورده بود و نعمت‌الله نصیری، حامل حکم عزل مصدق، دست‌گیر شده بود. محمد رضا پهلوی که برای درمان ماندن از عواقب شکست کودتا، از چند روز قبل در شمال به سر می‌برد، حالا به فکر فرار از ایران افتاده بود.

او آن قدر ترسیده بود که یادش رفت زنش را سوار بر هواپیما کند! پس، هواپیما دوباره پایین آمد و ثریا هم سوار شد. ثریا آن قدر عجله داشت که خودش را توی هواپیما انداخت و روی اسلحه‌ی کمری محمد رضا نشست!^۲

آیت‌الله خمینی

در برنامه‌ی روزانه‌اش هیچ تغییری ایجاد نکرد. حتی جای نشستنش را که پشت پنجره‌ی اتاق بود، عوض نکرد. تنها تغییری که در محل اقامتش انجام شد، چسباندن نوار چسب روی شیشه‌ها بود. آیت‌الله خمینی در اواخر جنگ، در روزهایی که پایتخت کشور موشک‌باران می‌شد و اکثر ساکنان تهران و شمیران به شهرهای امن پناه برده بودند، حتی یک‌بار هم به پناه‌گاه نزدیک محل اقامتش نرفت. به اذعان پزشکان، حتی در حین موشک‌باران، تغییری در تله‌مانیتور ایجاد نمی‌شد و ضربان قلبش معمولی می‌بود. فشار خونس را هم می‌گرفتند؛ اما هیچ تفاوتی با قبل نمی‌کرد.^۳ انگار از چیزی نمی‌ترسید.

۲. رجوع به نظر کارشناس / عدم کار کارشناسی: مدیر کسی نیست که خودش در همه امور تخصص داشته باشد و خودش همه کارها را انجام دهد، مدیر کسی است که در امور مختلف از نظرات متخصصین بهره می‌برد.

۱. برگرفته از کاخ تنهایی (خاطرات ثریا اسفندیاری)، ثریا اسفندیاری، ترجمه امیرهوشنگ کاووسی، ص ۲۲۴.

۲. برگرفته از همان، نقل‌شده در پاورقی.

۳. برگرفته از در سایه‌ی آفتاب، محمدحسن رحیمیان، ص ۹۱.

رضا پهلوی

اسدالله علم که به جعبه سیاه پهلوی معروف است در خاطراتش نقل می کند: می خواست درختی در محلی بکارد. کارشناس جنگل بانی گفت: «اعلی حضرت، این درختها در این محل رشد نخواهند کرد.»

او گفت: «اگر من امر کنم، رشد خواهند کرد!»

او در سالهای آخر سلطنتش، چنان نسبت به قدرت، حالت جنون پیدا کرده بود که حاضر نبود حتی در کوچکترین مسائل، مثل کاشت درخت، نظر کارشناسان را بشنود. او همواره شخصاً در امور دولتی، از عالیترین سیاستها تا ریزترین جزئیات، رسیدگی و دخالت می کرد.^۴

آیت الله خامنه‌ای

او اهل مطالعه، مشورت با نخبگان، گرفتن گزارش دقیق و جامع از نهادها و پی گیری امور آنهاست. برای همین، می تواند در حوزه های مختلف، نکات ظریف و نظرات دقیق ارائه بدهد.^۵ هم چنین، او دیدگاه کارشناسان را می شنود و به توصیه ی آنان عمل می کند.

در زمان جولان ویروس کرونا، گفت: «من مقیدم به شیوه نامه هایی که پزشکان اعلام می کنند. بنده تقید دارم؛ یعنی وظیفه می دانم برای خودم که آنها را عمل کنم و عمل می کنم. اصرار روی ماسک دارم و این نوبت سوم تزریق این واکسن را هم من انجام دادم.»^۶

و می بینید که چطور تا آخرین لحظه به این تقید پایبند بودند.

تا اینجا برخی از ویژگی های عمومی یک مدیر را گفتیم، اما برخی از ویژگی ها هست که مختص یک رهبر و مدیر اسلامی است. دین ما برای یک رهبر، ویژگی های فراتری را دیده است. چرا که سقف و حداکثر نگاه غرب به موضوعات مهم، تازه کف و حداقل نگاه اسلام است.

۳. توکل به خداوند / امید به بیگانه: اولاً یک مدیر توکل و امیدش به خداست. او خوب می داند که اگر اراده او نباشد هیچ کاری پیش نخواهد رفت.

^۴ Americans in Persia, Arthur Chester Millsbaugh, p۲۶-۲۷.

^۵ . . برگرفته از جلوه ی آفتاب، علی احمدی خواه (کوه نانی)، ص ۲۰۱.

^۶ . بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱۶۰۰/۱۱/۱۹).

محمدرضا پهلوی

خاطرش از آن‌ها جمع بود. آمریکایی‌ها در همه‌ی این سال‌ها، به خصوص از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همه‌جوره پشتش بودند؛ خصوصاً درباره‌ی تجهیز ارتش. روس‌ها هم با او روابط خوبی داشتند.^۷ انگلیسی‌ها هم از قدیم‌الایام، از او و پدرش حمایت می‌کردند. خلاصه، محمدرضا پهلوی حسابی به آن‌ها امید بسته بود و جای پایش را محکم می‌پنداشت.^۸ تا این که در سال ۱۳۵۷، امیدش ناامید شد.

وقتی آمریکایی‌ها به او تکلیف کردند که از ایران برود، گفت: «ما که به انگلیس و آمریکا بد نکرده بودیم. پس، چرا این‌ها از من حمایت نمی‌کنند؟»^۹ حتی وقتی از ایران فرار کرد، به او اجازه‌ی ورود به آمریکا داده نشد. او فهمیده بود که نباید به بیگانه امید می‌بست: «اکنون متوجه شده‌ام که آمریکایی‌ها مردمی ناسپاس و نامرد هستند. من تمام عمرم را در خدمت به ایالات متحده‌ی آمریکا گذراندم و اکنون، آمریکا حتی اجازه نمی‌دهد در یکی از بیمارستان‌های آن کشور بستری شوم.»^{۱۰}

آیت‌الله خمینی

خیالش از بابت خدا تختِ تخت بود. در قضیه‌ی به خاک و خون کشیده شدن طلبه‌های مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم در نوروز ۱۳۴۲، به او هشدار دادند تا منزلش را ترک کند و برای چند شب، به جای دیگری برود؛ اما او گفته بود: «متکی به خدا باشید. بروید که خمینی از این جا به هیچ کجا نخواهد رفت!»^{۱۱}

وقتی هم در پاریس گفته بود: «می‌خواهم پیش ملت‌م بازگردم و با آنان باشم»، اطرافیان‌ش که به فکر حفظ جان‌ش بودند، او را از این کار ممانعت کردند؛ اما او گفت: «خدا با ماست!»^{۱۲}

در همان روزهای اولی هم که به ایران آمده بود، به او گوشزد کرده بودند: «آیا شما کاملاً متقاعد هستی که می‌توانی ادامه بدهی؟ می‌توانی موفقیت ما را در برابر ژنرال‌های ارتش، آمریکایی‌ها و اروپا تضمین کنی؟» او باز جواب داده بود: «من به خدا اطمینان دارم!»^{۱۳}

^۷ Savak, Christian delannoy, p۳۴..

^۸ . برگرفته از ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، حسین فردوست، ج ۱، ص ۵۴۳ .

^۹ . برگرفته از خاطرات ارتشبد حسن طوفانیان، ضیاء صدقی، ص ۸۳.

^{۱۰} . ۲۵ سال در کنار شاه: خاطرات اردشیر زاهدی، ابوالفضل آتابای، ص ۳۶۴.

^{۱۱} . برداشتهایی از سیره امام خمینی (ره) ج ۳، ص ۱۹۰

^{۱۲} . همان

^{۱۳} . همان، ج ۴، ص ۱۲۶

۴. ساده زیستی / تجمل گرایی: اسلام می خواهد مدیر با اینکه مدیر است و جایگاه بالایی دارد اما ساده زیست باشد. زهد داشته باشد تا حداقل فایده اش این باشد که محرومان را درک کند. خودش سختی کشیده باشد.

محمد رضا پهلوی

در ابتدا، قرار بود کاخ نیاوران، محلی برای پذیرایی از مهمانان خارجی و مقامات عالی رتبه باشد؛ اما در نهایت، به خانهای اصلی محمد رضا پهلوی و خانواده اش تبدیل شد. برای همین، تغییر در ساخت آن برای کاربری جدید، ده سال طول کشید. این کاخ، ضد گلوله، ضد توپ و ضد زلزله بود. این کاخ در مساحتی حدود ۹۰۰۰ متر مربع در دو و نیم طبقه احداث شد که شامل سینمای اختصاصی، اتاق غذاخوری، سالن پذیرایی، تالار آبی، اتاق کار، اتاق کنفرانس، اتاق آرایش و لباس فرج دیبا و ... می شد.

کاخ محمد رضا و خانواده اش پر بود از مجموعه های نفیس از تابلوهای نقاشی هنرمندان ایرانی و خارجی، ظروف چینی کارخانه های سور فرانسه و رزنتال آلمان، مجموعه فرش های نفیس ایرانی، انواع مجسمه ها و تابلوها و تابلو فرش ها و وسایل قیمتی و قدیمی. البته، از تمام تجملات کاخ، ۷۰۰ کیلو طلایی را که فرج، همسر محمد رضا، با خود به خارج از کشور برده است، باید کم کرد!

خودش و خانواده اش و اعضای دربارش، هر کدام، کاخ های بیلاقی، قشلاقی، ویلایی در کنار دریا، کاخ خصوصی، کاخ رسمی، مهمان سرا و ... داشتند که عموم این کاخ ها، دارای استخر شنا و سالن سینما و زمین های بازی تنیس و ... بودند و از بهترین مصالح ساختمانی و سنگ های وارداتی ایتالیا و فرانسه ساخته شده بودند و لوازم کاخ ها نیز از خارج خریداری می شد و با هواپیما به ایران حمل می شد!^{۱۴}

سادگی در زندگی محمد رضا پهلوی و خانواده اش راهی نداشت؛ چرا که آن ها به تجملاتی مثل پوست سنجاب خاص مسکویی به ارزش چهل هزار دلار^{۱۵} و مبلمان اروپایی چند میلیونی^{۱۶} عادت داشتند!

آیت الله خمینی

قرار بود وزیر خارجه ی وقت شوروی و همراهان برای تسلیم پیام گورباچف، پیش او بیایند. از آن جایی که مهمانان عادت نداشتند روی زمین بنشینند، پیش از رسیدن آن ها، برایشان صندلی گذاشته بودند؛ اما او گفت صندلی ها را جمع کنند. او تا این حد کم هم از تشریفات غیرمتداول در زندگی روزانه ی خودش پرهیز می کرد. وقتی مهمان ها رسیدند، خادم، چای را درون استکان های معمولی برای آن ها برد و حتی جلویشان

^{۱۴} . برگرفته از پهلوی ها را بشناسیم، هادی قطبی، ص ۸۸ .

^{۱۵} . برگرفته از یادداشت های علم، امیراسدالله علم، ج ۲، ص ۴۰۷ .

^{۱۶} . برگرفته از همان، ج ۵، ص ۲۷۶ .

قندان گرفت تا آن‌ها قند بردارند. مهمانان خارجی از سادگی پذیرایی و بی‌پیرایگی آیت‌الله خمینی بسیار خوششان آمد.^{۱۷}

آیت‌الله خامنه‌ای

در کتاب **خونی دلی که لعل شد**، حضرت آقا از دوران قبل از انقلاب (که اصلاً رهبر نبودند) از زندگی خود اینطور تعریف می‌کنند:

آقای ربّانی املشی که با من دوستی داشت و دو سال هم مباحثه‌ی من در دروس در حوزه ی علمیه ی قم بود در تابستان یکی از سالها به مشهد آمد. من در آن هنگام ساکن مشهد بودم و خانه داشتم اما در آن تابستان خانه را چند هفته ترک کردم و در یک نقطه‌ی بیلاقی نزدیک شهر اقامت گزیدم. زندگی در بیلاقات مشهد ساده و کم‌خرج بود و طلاب علوم دینی می‌توانستند در تعطیلات تابستانی خود معمولاً در خانه‌ها یا در اتاقهای آن بیلاقات با هزینه‌ای پایین که شاید از هزینه‌ی زندگی در مشهد کمتر بود - اقامت کنند. به آقای ربّانی گفتم شما می‌توانید در خانه‌ی من اقامت کنید که در طی هفته به جز دو روز - خالی است. این دو روز را به جلساتی برای جوانانی که از نقاط مختلف ایران می‌آمدند اختصاص داده بودم؛ که از صبح تا ظهر خانه از آنها پر می‌شد. کلید خانه را به او سپردم و رفتم چند روز بعد که مرا دید پس از تشکر گفت: گمان کردم خانه شما با اثاثیه است؛ نمی‌دانستم اثاث خانه را تخلیه کرده‌اید و به بیلاق برده‌اید. اگر این را می‌دانستم به هتل می‌رفتم. او با لحنی که حاکی از رابطه‌ی صمیمی میان من و او بود مفصلاً از نواقص و کمبودهای اثاثیه‌ی خانه گلایه کرد مطلب را دریافتم و به او گفتم: من از داخل خانه جز چند پتو تعداد کمی بشقاب و یک کاسه و چند قاشق، چیزی برنداشتم با شگفتی و حیرت به من نگاه کرد و گفت: چه می‌گویید؟ گفتم بله این‌ها چیزهایی است که من دارم و اثاثیه‌ی ما همه همین است که اکنون در خانه می‌بینید من بیش از این اثاثیه‌ی ندارم. چهره‌ی ایشان در هم رفت سری تکان داد و با یک شگفتی آمیخته به تأسف از گلایه‌ی خویش کلمه‌ی دلسوزانه‌ی گفت که همواره آن را به یاد می‌آورم.^{۱۸}

۵. عزّت در برخورد با دشمن / ذلّت در برخورد با دشمن: و در آخر از آنجایی که اسلام حرف حق می‌زند و منافع خیلی‌ها را به خطر می‌اندازد، اسلام می‌خواهد رهبرش در برابر دشمن عزت داشته باشد و خود و مردمش و اسلام و مسیر حقش را در برابر دشمنان خوار نکند.

محمّد رضا پهلوی

شیشه‌ی عمرش را در دست آمریکایی‌ها می‌دانست. آن‌ها به دل‌خواه خود، از امکانات نظامی ایران در جنگ با ویتنام استفاده می‌کردند؛ اما او جرأت نداشت بگوید بالای چشمتان ابروست! او حتی نمی‌توانست بدون

^{۱۷} . آیینی حسن، اصغر میرشکاری و حمید بصیرت‌منش، ص ۴۸ .

^{۱۸} برگرفته از کتاب خون دلی که لعل شد، دکتر محمدعلی آذرشب، ص ۱۶۱

اجازه‌ی آمریکایی‌ها سلاحی به کسی بفروشد.^{۱۹} او آن قدر ذلیل بود که از غارت شرکت انگلیسی کاستین در چابهار مطلع بود؛ ولی چیزی به آن‌ها نمی‌گفت.^{۲۰} او در سال ۱۳۲۹، هر بشکه نفت ایران را به قیمت ۸ سنت به انگلیس می‌فروخت؛ در حالی که در همان زمان، بحرین از فروش هر بشکه نفت، ۳۵ سنت، عربستان ۵۶ سنت و عراق ۶۰ سنت از انگلیس دریافت می‌کردند.^{۲۱}

آیت الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای بعد از رحلت آیت‌الله خمینی که دولت‌های مستکبر می‌گفتند حکم اعدام سلمان رشدی باید لغو شود؛ وگرنه سفیرانمان را از ایران فرا می‌خوانیم، گفت: «سفیران فراخوانده شده راهی جز بازگشت ندارند!» حکم سلمان رشدی لغو نشد، اما سفیرانی که رفته بودند، یکی یکی به ایران برگشتند.^{۲۲}

آیت‌الله خامنه‌ای در سفر به لیبی، وقتی به خیمه‌ی معمر قذافی، دیکتاتور آن کشور رفت، در ورودی آن که کوتاه بود، سرش را خم نکرد؛ بلکه به پشت وارد شد تا در مقابل قذافی سر خم نکرده باشد.^{۲۳} او در جنگ سی‌وسه‌روزه‌ی رژیم اسرائیل علیه لبنان، وقتی سران حزب‌الله و مسئولان ایرانی به طرح عقب‌نشینی فکر می‌کردند، گفت: «شما حق عقب‌نشینی ندارید! بروید مقاومت کنید! عن قریب، شما پیروزی را خواهید دید» و دقیقاً همان‌گونه که او گفته بود، پیش آمد.^{۲۴}

این‌ها برخی از تفاوت‌های بین امامین انقلاب و شاهان پهلوی در چند موضوع محدود بود. اگر قرآن می‌فرماید شما احتیاج به رهبر الهی دارید، امروز می‌توانیم نورانیت این رهبری را در نائبین امام علیه السلام ببینیم. قرآن در ادامه می‌فرماید: **وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ** شما برای ادامه مسیر علاوه بر رهبر احتیاج به کتاب و راهنما و میزان دارید که رهبری عالی همراهش کتاب و میزان هم دارد.

اما بخش بسیار مهم سوم آیه که **لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ** هست را فردا شب توضیح خواهیم داد.

گریز روضه:

در سال ۶۸ دیدید مردم برای از دست دادن این نایب امام زمان علیه السلام که خود را خاک پای آن عزیزان هم نمی‌داند چه کردند، اما یک روزی هم در کربلا سید و سالار همه شهیدان را ...

^{۱۹} . برگرفته از یادداشت‌های علم، امیراسدالله علم، ج ۳، ص ۶۴.

^{۲۰} . برگرفته از یادداشت‌های علم، امیراسدالله علم، ج ۵، ص ۳۸۶.

^{۲۱} . مقاومت شکننده، جان فوران، ترجمه احمد تدین، ص ۴۲۶.

^{۲۲} . برگرفته از پرتوی از خورشید، علی شیرازی، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ آب، آیین، آفتاب، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۸۴.

^{۲۳} . برگرفته از آب، آیین، آفتاب، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۵۰؛

^{۲۴} . برگرفته از پرتو سخن، ش ۵۷۴، ۱۳۹۰/۲/۷.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و خير الصلاه و السلام على خير خلقه و اشرف بريته حبيينا و حبيته اله العالم الذي سمى فى السماء باحمد و فى الارض بالقاسم المصطفى محمد صل الله عليه و آله الطيبين الطاهرين و اللعنه على اعدائهم اجمعين

جلسه دوم:

در شب گذشته در مورد آیه‌ای بسیار کلیدی صحبت کردیم که ما در مسیر حرکتمان احتیاج به چه ابزارهایی داریم. قرآن در آیه ۲۵ سوره حدید سه ابزار مهم را برای ما مشخص کرد:

اولاً: رهبری قوی و الهی: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ

ثانياً: برنامه‌ای درست و قوی: وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

که در مورد این دو بخش، خصوصاً بخش اول دیشب مفصلاً توضیح دادیم. اما امشب می‌خواهیم به بخش بسیار مهم سوم آیه بپردازیم که آن **حضور مردم** است: لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

دو رکن اولیه لازم است تا رکن سوم که ایجاد قسط و عدل به وسیله مردم باشد، رقم خورد. قرار نیست رهبر جامعه اسلامی خودش به تنهایی همه کارها را پیش ببرد. قرار نیست مثل قوم بنی اسرائیل که به پیامبر خود گفتند: **قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ**

ای موسی تو و خدات برید بجنگید، ما اینجا می‌شینیم، هر موقع تموم شد ما را صدا بزن، بیاییم کار باید توسط مردم پیش رود. پس **رکن اصلی سوم برای حل مشکلات حضور مردم است.**

ما در دوران خود نتیجه این حضور مردم در صحنه را در **قیام ۱۵ خرداد** می‌بینیم. مردمی که فقط به خاطر اینکه فقیه و فرزند حضرت زهرا سلام الله را **دستگیر** کردند، در راه دین خدا **قیام** کردند. خود امام خمینی (ره) در موارد گوناگون به مناسبت پانزده خرداد، شهدای این قیام را با تعبیر «بنا به نقل» یا «آنچه مشهور است»، **پانزده هزار تن** ذکر کرده‌اند

مرحوم فلسفی منبری معروف نقل می‌کند: وقتی مامورین شاه آیت الله خمینی را در نصف شب دستگیر کردند صبح که خبر دستگیری به مردم قم و تهران و ولایات رسید مردم به کوچه‌ها و خیابانها ریختند و بیش از ۱۵ هزار نفر شهید شدند درحالیکه وقتی **زاهدی** خبر دستگیری **مصدق** را داد گیرم ۱۰ هزار نفر **خون** گریستند اما بقیه مردم **بی تفاوت** بودند

خدا شاهد است یکی از **سر دفترهای اسناد رسمی** برای من نقل کرد صبح روز دستگیری امام دو نفر که مثل **ابر بهار** می‌گریستند وارد دفتر شدند و گفتند **زود برای ما دوسطر وصیت نامه بنویس** که امام دستگیر شده و ما دیگر **زندگی نمی‌خواهیم**، مرگ بهتر از این **زندگی** است

در دوران نزدیک خود نیز نتیجه این حضور را می‌بینیم. در سال ۹۲ ما کسی را انتخاب کردیم که آب خوردن ما را وابسته به غرب می‌دانست که به گفته حضرت آقا: **مواجه شدیم با یک دهه عقب‌افتادگی اقتصادی!** بعد همین ما مردم در سال ۱۴۰۰ مردی را انتخاب کردیم که بیان حضرت آقا در سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۴۰۳ این شهید تراز خدمت ریاست جمهوری را تغییر داد. کسی که مردم در تشییع جنازه‌اش نشان دادند اگر ببینند کسی فقط برای رفع مشکلاتشان تلاش می‌کند، حتی وقتی بخشی از مشکلات باقی است چطور قدردان زحمات او خواهند بود.

روحیه جهادی و خستگی ناپذیری:

۱. **محدرضا باقری (مجری برنامه جهان آرا):** مجری برنامه ای بودم، آقای رئیس جمهور هم تشریف داشتند. ما مشغول بودیم از برخی افراد تقدیر می‌کردیم و اسامی رو می‌خوندیم. حفاظت حاج آقا اومدند و گفتند **سریعتر بخون**. من گفتم چرا تو کار من دخالت می‌کنی، تقدیر یه آدابی داره نمی‌شه سریع اسم‌ها رو بخونم، پا تو کشف ما نکن!

اون محافظ گفت: **آقا! آقای رئیس جمهوری از زیر سرم اومده**. ۳ تا جلسه هم بعد از اینجا داره و کنسل نکرده جلسات رو به خاطر اینکه جوون‌ها رو دوست داره و می‌خواد احترام بذاره. حالا اگه شما یه محبتی بکنید زودتر اسم هارو بخونید. من گفتم: باشه خب اینو از اول بگو و ما هم سریعتر خوندیم. من دقت کردم دیدم بله آثار ضعف در چهره ایشون مشخص بود اما اصلاً به روی خودش نمی‌آورد.

۲. در یکی از سفرهای خارجی به مقصد آفریقا، سه کشور آفریقایی را در ۲ روز بازدید کردیم. گرچه از قبل برنامه ریزی شده بود و توافقات زیادی هم حاصل گشت اما یکی از کشورهایی که برای کشت فراسرزمینی می‌خواستیم خارج از پایتخت بود و به شب خوردیم.

تمام نیروها از فرط خستگی از پا افتاده بودند. کسی نای حرکت نداشت. مقصد به شکلی بود که باید مصافتی را پیاده طی می‌کردیم تا به مناطق زراعی برسیم. همه نیروها حتی بعضی از محافظین هم توانشون رو از دست داده بودند. اما بنده شاهد بودم و به چشم می‌دیدم که تنها کسی هنوز با قدرت حرکت می‌کرد و جلوتر از بقیه گام بر می‌داشت حاج آقا رئیسی بودند.



تخصص گرایی:

۳. آقای نوبخت تعریف می‌کنند: بعد از اینکه ایشان رئیس جمهور شد و کابینه رو تشکیل دادند من به ایشان نامه ای نوشتم که فلان کارها باید در دولت انجام شود بعد از چند روز بر خلاف توقع من ایشان زنگ زدند و تشکر کردند و خواستند که من توضیحاتی در مورد طرح بدم و گفتند این پیشنهاد درسته و من میگم انجام دهند. همین ماه جاری معاون اول رئیس جمهور آمدند دفترم و گفتند رئیس جمهور گفتند ممکنه در مورد فلان طرح نوبخت نظری داشته باشه برین از ایشان پرسین.

اخلاص و مردمی بودن:

۴. رئیس جمهور قرار بود به بوشهر سفر کنند و بخش فاز ۱۱ نیروگاه عسلویه را افتتاح کند. باتوجه به اینکه این فاز دورترین و آخرین میدان استخراج است لذا کاملاً وسط آب‌ها قرار دارد. تیم حفاظت به فرماندهی شهید موسوی برای بررسی قبل سفر وقتی حاضر شدند اعلام کردند شش حلقه چاه استخراج در طول مدت بازدید تعطیل شود که وقتی این خبر به گوش رئیس جمهور رسید با این کار مخالفت کردند و دیگر دغدغه تیم حفاظت حضور فعالان صهیونیستی در آب‌های آنجا بود که نگرانی دستکاری در سیستم پرواز را تقویت می‌کرد با وجود همه این مشکلات وقتی قرار شد بالگرد در این میدان فرود بیاید بسیار خطرناک بود چون هم فضای کافی نبود هم احتمال وزش باد و پرت شدن بالگرد در آب وجود داشت ولی باوجود همه این‌ها آقای رئیسی حاضر شدند و همین حضور قوت قلبی بود برای کارکنان اونجا بطوری که باور نمی‌کردند که یک شخص عالی رتبه این همه سختی تحمل کند و شخصاً حضور پیدا کند، این در حالی بود که به گفته کارکنان این اولین باری بود که یک شخصیت عالی رتبه روی سکوی گاری حضور پیدا می‌کرد.

نتیجه این تلاش و این دستاورد چه شد؟ نتیجه این روحیه انقلابی چه شد؟ نتیجه این انتخاب عاقلانه مردم چه شد؟ نتیجه این حضور مردم در صحنه انتخابات چه شد؟

شد دستاوردهای بی نظیر در طول فقط ۳ سال!

ما امروز رئیس جمهوری می‌خواهیم که شجاع باشد نه اینکه مانند یک کسی در همین دهه گذشته می‌گفت اگر

آمریکا یک کلید بزند همه ما را نابود خواهد کرد

نظر کارشناسان برایش اهمیت داشته باشد نه اینکه در ۲۰ دقیقه برجام را تصویب کنند و نگذارند مخالفان حرف بزنند

توکل بر خدا در رفتار و گفتار او پیدا باشد

اخلاص داشته باشد

بر بیت المال حساس باشد

به توان و تخصص داخل اعتماد داشته باشد نه اینکه مدام آب خوردن را هم به برجام و مذاکرات گره بزنند.

در یک کلام ما رئیس جمهوری می خواهیم مثل ابراهیم...

- چون با این تفکر انقلابی، جذب سرمایه خارجی در این ۳۲ ماه از کل سرمایه خارجی جذب شده در ۸ سال دولت سابق که مدعی بلد بودن زبان دنیا بود بیشتر است. همین دولتی که به گفته بعضی ها زبان دنیا بلد نبود ۵۶۳ درصد رشد وصول درآمدهای ارزی با وجود تحریمها رو داشت.
- همین دولتی که زبان دنیا بلد نبود در عرض ۱۰۰ روز اول دولت ایشان ۱۲۰ میلیون دوز واکسن وارد کردند، همان واکسن هایی که به بهانه (fatf) مردم را معطل نگه داشته بودند.
- چون با روحیه جهادی در عرض ۱۰ ماه پروژه ای که ۳۶ ماه قرار بود طول بکشد به بهره برداری رسید و جمعیت ۴ میلیون ۷۰۰ هزار نفر در ۲۶ شهر و ۱۶۰۰۰ روستا آب رسانی شد.
- چون ۸۰۰۰ واحد تولیدی راکد و نیمه راکد رو در این ۳۲ ماه احیا کرد.
- خب این کارخانجات برق لازم دارند، ما در آخر دهه ۹۰ برای برق خانگی خودمون مشکل پیش آمده بود و با قطعی برق دچار بودیم، در یک سال اول دولت ایشان ۶۰۰۰ مگاوات برق تولید شد، یعنی رکورد تولید برق سالانه در تمام دولت های گذشته شکسته شد.
- اینها همه در حالی بود که یک سوم کسری بودجه را برای این دولت به ارث گذاشته بودند (یعنی ۴۸۰ همت) و او نه تنها مغلوب نشد بلکه این مشکل را هم حل کرد و کسری بودجه دولت هم پس از مدتها به صفر رسید و خودش هم بدهی جدید به بانک مرکزی ایجاد نکرد.
- چون رشد اقتصادی کشور پس از ۱۰ سال رکود، مثبت شد و در سه سال متوالی به مثبت ۳، مثبت ۴ و مثبت ۵.۳ درصد رسید.
- چون ایران در سال گذشته رتبه دوم جهان را در شاخص رشد اقتصادی داشته است.
- چون تغییرات نرخ تورم کاهشی بوده و از ۶۰ درصد به ۳۸ درصد رسیده است.
- چون نرخ رشد نقدینگی هم از ۴۲ درصد به ۲۴ درصد رسید.
- چون با این تفکر انقلابی نرخ بیکاری کل سال ۱۴۰۲ به ۸.۱ درصد رسید که کمترین نرخ بیکاری سالانه در دهه های اخیر است.

- چون با ثبت رکورد ۵۱ میلیارد دلاری صادرات غیر نفتی، تراز تجاری غیر نفتی ایران نیز تقریباً به صفر رسید و رکورد صادرات غیرنفتی در طول تمام تاریخ ایران را شکست.

امروز این ما هستیم که در ۸ تیر انتخاب کنیم سرمایه و امورات کشور را به دست چه کسی بسپاریم؟

گریز روضه:

حضرت امام ره می فرمایند: من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می باشند.^{۲۵}

چطور امام همچین تعبیری دارند؟

قرآن در آیه ۳۸ سوره محمد می فرماید:

وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ ﴿۳۸﴾

در روایت آمده است:

روی ان اناساً من اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله قالوا یا رسول الله من هؤلاء الذین ذکر الله فی کتابه؟؟؟
رسول خدا (صل الله علیه و آله وسلم):

بر زانوی سلمان فارسی زد و فرمود: « این و قومش » اگر دین در ثریا باشد، مردانی از ایران، به آن، دست می یابند.
(مجمع البیان: ج ۹ ص ۱۶۴)

در دوران ما مردم به خاطر دستگیری یکی از بچه های حضرت زهرا سلام الله علیها ۱۵ هزار خون دادند، اما یک روزی هم در کربلا با اینکه مردم نوه پیغمبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم را می شناختند و می دانستند می خواهند او را به شهادت برسانند، ۷۲ نفر در رکابش آمدند و کار را برای نوه پیغمبر به جایی رساندند که ... (روضه های امام حسین علیه السلام)